

نقش جامعه مدنی در تغییرات اجتماعی و سیاسی ایران

داود احمدلو

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلایلی که در کشورهای پیشرفته، دموکراسی شکل گرفته و همچنان پایدار مانده، همانا "وجود جامعه مدنی قدرتمند" است. بازیگران اصلی این جوامع عمدتاً از طبقه متوسط هستند، چرا که این طبقه معمولاً از افراد تحصیل کرده و آگاه تشکیل شده و از یک امنیت نسبی برخوردار است. این قشر، با درک اهمیت و آگاهی به تکنولوژی، مسائل رفاهی و فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند در دفاع از حقوق شهروندی نقش مؤثری ایفا کرده و سدی در برابر دیکتاتوری باشد.



در کشورهای دموکراتیک، جامعه مدنی با تشکیل اتحادیه‌های مختلف (کارگری، فرهنگی، دانشجویی، زیست‌محیطی و...) توانسته است اعتماد مردم را جلب کرده و اقشار مختلف جامعه را گرد هم آورد. این سازمان‌ها، با همکاری جامعه مدنی، به عنوان نیروی مردمی، می‌توانند در مقابل اعمال فشار دولت‌ها و برای خواسته‌های مشروع مردم وارد عمل شوند. مهم‌ترین ویژگی جامعه مدنی در این کشورها این است که فقط محدود به طبقه متوسط نیست، بلکه مشارکت همه اقشار جامعه را در مسائل اجتماعی و سیاسی تسهیل می‌کند.

وضعیت جامعه مدنی در ایران

در تاریخ و فرهنگ ایرانی، جامعه مدنی همواره وابسته به طبقه متوسط شهری بوده است. رژیم اسلامی از همان ابتدا، با آگاهی از این واقعیت، تلاش کرده تا با بوجود آوردن بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، این طبقه را تا حد امکان تضعیف کند. چراکه رژیم به‌خوبی می‌دانست که طبقه متوسط، با برخورداری از اعتماد عمومی، توانایی بسیج مردم و کشاندن آن‌ها به خیابان‌ها را دارد. از اینرو، یک جامعه مدنی قدرتمند را تهدیدی جدی برای بقای خود می‌دید.

در نتیجه، رژیم اسلامی با سرکوب گسترده معترضان که از این طیف

بودند و برای تحقق حقوق طبقات فرودست ایستادگی میکردند، شرایطی را پیش آورد که شکاف میان طبقه متوسط و اقشار کم‌درآمد را عمیق‌تر ساخت. این سیاست عامدانه مانع از آن شد که مردم در کنار یکدیگر قرار بگیرند، و بدین ترتیب، برگ برنده همچنان در دستان رژیم باقی ماند.

امروز، رژیم اسلامی بیش از هر زمان دیگری تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار دارد، که دلایل آن بسیار روشن است و می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بحران اقتصادی و ناتوانی در پاسخگویی به مطالبات مردم
- ورشکستگی مالی دولت و نهاد های وابسته به آن
- کاهش مشروعیت اجتماعی و سیاسی در داخل و در سطح بین المللی
- فاصله گرفتن بخشی از اصلاح طلبان و بخشی از بدنه سپاه از رژیم
- از دست دادن پایگاه های منطقه ای (مانند فرار بشار الاسد ، شکست مجدد حزب الله از اسرائیل) و بازگشت دوباره ترامپ به قدرت ، میتواند سناریوهای مختلفی را مطرح کند که تجزیه و تحلیل آن در حوصله این نوشتار نمی باشد.
- حتا دستگاه سرکوب رژیم هم کارایی اش نسبت به گذشته ضعیف تر شده ،

این شرایط میتواند فرصت های ایده آل و مناسبی برای تقویت جامعه مدنی و بسیج اجتماعی بوجود آورد، در نتیجه هرگونه اعتراض و نارضایتی عمومی، در صورتی که جامعه مدنی بتواند آن را هدایت و سازماندهی کند، میتواند رژیم را هرچه بیشتر تضعیف و چه بسا به فروپاشی بکشانند . در چنین شرایطی ، همیشه یکسری ریسک های غیر قابل پیش بینی نشده وجود دارد که متأسفانه در برخی مواقع نمیتواند هیچ تضمینی برای تغییر به همراه داشته باشد.

▪ چالش ها و نگرانی‌ها

یکی از مشکلات بزرگ در تغییرات اجتماعی ایران، آهسته بودن روند آن و نبود استمرار در جنبش ها است . جامعه مدنی ایران بارها شاهد حرکت های اعتراضی کوتاه مدت و مقطعی بوده که به دلیل سرکوب، پراکندگی یا عدم هماهنگی، به نتیجه نرسیده‌اند. این مسئله باعث شده که مردم نسبت به تغییرات ناامید شوند و در

تصمیم‌گیری برای مقابله با رژیم دچار تردید گردند.

یکی دیگر از دل‌نگرانی‌های مردم ، احتمال یک درگیری نظامی بین ایران و اسرائیل ، آمریکا و یا هر دو و همزمان میباشد .

دلیل اصلی اش هم اینست که ، با کمال تأسف برخی از اپوزیسیون رژیم در فضا های مجازی ، بدون داشتن هر گونه دانش نظامی و بدون در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی مدام بر طبل جنگ میکوبند .

این سخنان نه تنها کمکی به مردم نمیکند ، بلکه آن ها را در الهام و ترس قرار

می دهد. مخالفت با رژیم به آن معنا نیست که باید در هر موردی اظهار نظر کنیم (خصوصاً مسائلی که تخصصی در آنها نداریم) ، مطمئن باشیم که اگر سخنی هم نگفتیم کسی آنرا بابت بی اطلاعی مان نخواهد گذاشت ، که بنابرین لازم است که مخالفان رژیم ، کمی مسئولانه تر صحبت کنند و از انتشار اخبار غیر مستند که باعث دلسردی هر چه بیشتر مردم میگردد خود داری نمایند.

بهر روی هنوز هم بر این نکته پافشاری میکنم که تقویت هر چه بیشتر جامعه مدنی ، راهکاری است مطمئن تر و محکم برای جلوگیری از هر گونه تغییرات و شرایط نا مساعد پیش بینی نشده .

رژیم اسلامی ، چه در شرایط جنگی و چه در شرایط صلح ، به شدت فرسوده شده است ، برای پر کردن خلأ ناشی از ضعف یا احتمال فرو پاشی آن ، ضروری است که جامعه مدنی را که متشکل از تمامی اقشار جامعه میباشد به عنوان یک آلترناتیو بسیار معتبر حمایت کرده تا بتواند مردم را همصدا نماید و در صورت سقوط رژیم و نبود یک آلترناتیو معتبر ، شاید جامعه مدنی بتواند کماکان نقش هماهنگ کننده در بین اقشار مختلف را بعهده گرفته تا بلکه بتوانیم از هر گونه هرج و مرج ، خشونت های انتقام جویانه و درگیری های ویرانگر جلوگیری بنماییم . به عبارتی دیگر آمادگی برای هر سناریویی که در پیش روی است .

اما اگر وضعیت فعلی ادامه پیدا کند ، جامعه مدنی باید به تلاش برای افزایش آگاهی عمومی و سازماندهی برای مطالبات اجتماعی ادامه دهد.

در هر دو حالت ، مهم ترین وظیفه جامعه مدنی ، تقویت همبستگی

میان مردم و جلوگیری از افتادن موقعیت به دست نیرو های رادیکال و فرصت طلب همانند سلطنت طلبان افراطی که “ بسیار مؤدب و همزمان آگاه به مسائل امروزی میباشند نیفتد (!!!!!!)” ، چون این جماعت با عطش انتقام، ممکن است از این خلأ سوءاستفاده کرده و شرایط را به نفع خود تغییر دهند. در چنین وضعیتی، ما با فاجعه ای روبرو خواهیم شد که شاید از خود رژیم اسلامی نیز بمراتب وحشتناکتر باشد. چرا که این افراد آشکارا وعده داده اند که حتی جنازه ی چپها، «پنجاه وهفتی»ها و هر کسی را که در انقلاب ۵۷ ، علیه پادشاه جنت مکان وقت به خیابان آمده، از زیر خاک بیرون کشیده و در ملأ عام بسوزانند تا درس عبرتی باشد ، برای هر کسی که جرأت کند به آقا رضا جان پهلوی نژاد «نه» بگوید!.

بنا برین ، امروز تقویت جامعه مدنی در ایران بیش از هر زمان دیگری ضروری است . تنها یک نیروی مدنی سازمان یافته است که میتواند مسیر اعتراضات را به سمت تغییرات مثبت و دموکراتیک هدایت کند .

سرفراز باد مردم ایران

به امید ایرانی آزاد و پایدار

داود احمدلو - ۲۸ مارس ۲۰۲۵